



واکاوی تاریخ سینمای پس از انقلاب

حکایت سینما توگراف ۲

نشانه‌های دیگر از سرمایه‌های مشترک

در رسانه‌های ایران

سعید مستغانی
بخش صد و بیست

پس از ماجرای هادی رضوی و اختلاس از صندوق فرهنگیان و بانک سرمایه و سرزیرشدن بخشی از آن به برخی پروژه‌های رسانه‌ای مانند سریال شبکه خانگی «شهرزاد» که به پرداخت‌های نجومی و نمایشی دیگر از پول‌های کثیف انجامید، صحبت از فرد دیگری به نام «سجاد خواجه‌علیخانی» شد که قبلا گویا در زمینه خریدوفروش بیت‌کوبین (پول اینترنتی) فعال بوده و ناگهان سروکلانش در سینما و برخی رسانه‌های ایران ظهور پیدا کرد. «سجاد خواجه‌علیخانی» ابتدا نامش برای سرمایه‌گذاری فیلم سینمایی «ما همه با هم هستیم» ساخته کمال تبریزی مطرح شد که از عید فطر ۱۳۹۸ در سینماهای کشور اکران شد و در آن تعداد زیادی از به اصطلاح سلبریتی‌ها حضور داشتند و گویا دستمزدهای نجومی هم دریافت کرده بودند. براساس برخی اخبار، هزینه تهیه فیلم یاد شده به خاطر همین دستمزدها و بریز و پاش‌های مالی به رقم ۲۰ میلیارد تومان بالغ شد.

اما پس از این، نام «سجاد خواجه‌علیخانی» در حمایت مالی از جشنواره فیلم فجر به میان آمد، در حالی که وی سرمایه ییکی از فیلم‌های جشنواره سی‌وهشتم فیلم فجر به نام «روزهای نارنجی» را هم تأمین کرده بود که علی‌رغم ضعف شدید ساختاری و محتوایی به بخش مسابقه اصلی جشنواره راه یافت. خبر حمایت مالی «سجاد خواجه‌علیخانی» از جشنواره فیلم فجر همچون زاری سر به مهر توسط برگزارکنندگان جشنواره پنهان ماند و او فقط تحت عنوان مالک ایلپیکشن «تیک» یا همان ۷۱۰۰٪ به طور رسمی مسئول جمع‌آوری آراه مردمی جشنواره بود. اما این حمایت مالی وقتی افشا شد که در مصاحبه مطبوعاتی دبیر جشنواره جهانی فیلم فجر، وی متهم شد که از حمایت مالی «سجاد خواجه‌علیخانی» به‌رخوددار شده اما در همان مصاحبه و بعدا در برنامه «هفت» تلویزیون دبیر جشنواره یاد شده صریحا در دفاع از خود گفت که شخص یاد شده فقط اسپانسر مالی جشنواره ملی فیلم فجر بوده و البته همچنان اسپانسر جشنواره تحت مدیریت خود را پنهان داشت؛ آن‌هم در زمانی که برخی از مجموعه‌های دولتی از جمله سازمان‌ها و مؤسسات زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌خصوص سازمان سینمایی، دم از شفاف‌سازی و صراحت می‌زدند!!

ابتدال از کجا به سینما و تلویزیون نفوذ می‌کند؟

اما جای دیگری که حضور مالی «سجاد خواجه‌علیخانی» مطرح شد، به عنوان حامی مالی مسابقه جنگجالی «برنده‌باش» بود که با شبهه‌قمار و بخت‌آزمایی ابتدا از سوی برخی مراجع تقلید و سپس باهشدار مقام معظم رهبری نسبت به رویکرد برخی برنامه‌های سیما به روش‌های بخت‌آزمایی، تعطیل شد. عکس یادگاری «خواجه‌علیخانی» با مجری برنامه «برنده‌باش» در پشت صحنه این مسابقه، حمایت مالی از پروژه‌های موسیقی وی با همان ایلپیکشن ۷۱۰۰٪ و حضور شریک سابق وی، م.م به عنوان سرمایه‌گذار، ماجرای حضور مالی «سجاد خواجه‌علیخانی» را درمسابقه «برنده‌باش» تقویت کرد.

اما کارهای خلاف «سجاد خواجه‌علیخانی» وقتی بیشتر از پشت پرده بیرون افتاد که یکی از وب سایت‌های رصدکننده درگاه‌های پرداخت‌های تاکس BET TAP که شرطبندی، طی بررسی‌های خود نشان داد که پرداخت‌های وبسایت شرطبندی TAP BET یکی از چندی پیش از طریق درگاه پرداخت و فروشگاه آنلاینی جعلی انجام می‌گرفت که در نماد الکترونیکی آن، نام همین جناب «سجاد خواجه‌علیخانی» به عنوان ثبت‌کننده ذکر شده بود. یک آگهی درروزنامه‌های رسمی هم نشان داد که از این شخص به جرم کلاهبرداری اینترنتی شکایت شده ولی دادگاه نتوانسته مکان وی را برای تحویل احضاریه پیدا کند!!

نام «سجاد خواجه‌علیخانی» حتی به عنوان سرمایه‌گذار فیلم «رحمان ۱۴۰۰» هم مطرح شد. فیلمی که به دلیل ابتدال بیش از حد، پس از مدتی اکران عمومی توسط خود سازمان سینمایی از پرده سینماها پایین کشیده شد!



بدین ترتیب بار دیگر در سینمای ایران و برخی دیگر از رسانه‌ها با ورود پول‌های مشکوکی مواجه شدیم که از یکسوی، سینما را به سوی ابتدال و بی‌پندوباری بیشتر سوق داده و از سوی دیگر رسانه ملی را در جهت ترویج فرهنگ بخت‌آزمایی سمت‌وسو می‌داد. آیا این وجه دیگری از جنگ فرهنگی تمام‌عیار دشمن نبوده و نیست که بسیار کارآمدتر و موثرتر از تهدیدات نظامی و تحریم‌های اقتصادی، ملت ایران و انقلابشان را نشانه رفته است، همچنان‌که ۱۸ سال پیش و در سالگرد حادثه ۱۱ سپتامبر، بنیامین نتانیاهو در سخنانی خطاب به اعضاء یکی از مراکز استراتژیک آمریکا گفت که:

«برای تغییر نظام ایران، نیازی به حمله نظامی نیست. به ایران با ماهواره و اینترنت حمله کنید!»

افشای پشت صحنه برخی فیلم‌های ایرانی توسط بازیگر لبنانی

دارین حمزه بازیگر لبنانی که بنا به گفته خودش در ۷ فیلم ایرانی بازی کرده بود، در مصاحبه‌ای که در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ با شبکه MTV لبنان انجام داد، از پشت صحنه برخی فیلم‌ها ابراز شگفتی کرد!

او در این مصاحبه پس از اینکه توضیح داد چگونه از سوی برخی فیلمسازان به ایران دعوت شد و بنا به دعوت یکی از آنها به مهمانی شام آنها رفت، درباره فضای آن میهمانی شام این‌گونه توضیح داد:

«کارگردان، مرا برای شام به خانه‌اش دعوت کرد و غذای ایرانی خوشمزه برایم درست کردند. وقتی رفتم، فکر می‌کردم آن‌ها [ایرانیان] در داخل خانه هم حجاب می‌پوشند، منم حجاب پوشیدم، با حجاب کامل از بالا تا پایین آنچرا رفتم. ولی دیدم زن کارگردان لباس کوتاه پوشیده و همه بی‌حجاب و عادی... انگار که این‌جا (لبنان) است، موسیقی و مشروب و همه چی بود... در داخل خانه هر چه دلشان می‌خواهند می‌پوشند، حکومت به داخل خانه‌ها کاری ندارد. در کل مهمانی من تنها مثل پیرزن‌ها لباس پوشیده بودم و آنها همه لخت بودند...!» دارین حمزه اشاره‌ای تکان‌دهنده به نحوه ارتباط و سبک زندگی بعضی از اهالی این سینما داشت که بسیار متفاوت با تصور او از یک جامعه و خانواده اسلامی بوده است. پوشش نامناسب، پخش خبر و روابط غیراخلاقی از جمله سبک زندگی نامتعارف بعضی از این دسته افراد است که حمزه به صراحت درباره‌اش سخن گفت. افرادی که به هر حال در یک جامعه اسلامی زندگی کرده و بسیار بیش از اکثریت مردم، از مواهب آن برخوردار بوده و بیش از اغلب مردم نیز از کیسه بیت‌المال منتفع شده و ظاهرا قرار است برای این جامعه اسلامی فیلم‌هایی بسازند که بنا به فرمایش بزرگان انقلاب «میدین روح تهدید باشد در انسان‌ها!» پیش از دارین حمزه برخی بازیگران ایرانی از جمله سبک زندگی نامتعارف داشتند و لایلا بوشهری از برخی پشت صحنه‌های نامناسب و ضداخلاقی در تولیدات این سینما، افشاگری کرده بودند و وقایع‌های مفسده‌آمیز بعضی عوامل تولید را شرح داده بودند. همچنین در اردیبهشت ۱۳۹۵، سی‌تن از بازیگران زن سینما و تلویزیون ایران در نامه‌ای به معاون وقت سیاسی جمهوری اسلامی، مطالباتی و فضای غیراخلاقی پشت صحنه سریال‌ها و فیلم‌ها را موجب کم‌کاری و یا بی‌کاری خود اعلام کرده و از ایشان درخواست کمک و مساعدت نموده بودند تا در پشت صحنه فیلم‌ها و سریال‌ها، فضای مناسب‌تری به لحاظ اخلاقی حاکم شود.

به راستی با این نوع سبک زندگی بی‌پندوبارانه و لایبالی‌گرانه که پیش از گفته‌های بازیگر لبنانی نیز بارها و بارها دربارهاش شنیده بودیم، آیا باز هم به این سینما می‌توان خلاف این را انتظار داشت که می‌تواند فیلم‌هایی ساخته شود تا دغدغه‌های مردم را بازگوید، تاریخ پرافتخارشان را روایت کند و به ارزش‌ها و باورهای اعتقادی‌شان بپردازد؟!۴

امسال به دلیل همزمانی ماه مبارک رمضان و عید نوروز، ویژه برنامه‌های این دو مناسبت در صداوسیما با هم ترکیب شدند. یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که سریال‌های ویژه ماه رمضان، اولین بار حدود ۲۰ سال قبل پخش شدند که آن موقع هم با نوروز همراه بود. به مناسبت پخش برنامه‌های رمضان و نوروزی رسانه ملی، نظر دو کارشناس حوزه رسانه را درباره این برنامه‌ها جویا شدیم.

تشویق صداوسیما به نوآوری

دکتر رفیع‌الدین اسماعیلی، کارشناس رسانه و مدیر مؤسسه فرهنگی هنری شناخت‌پژوهان رسانه، در گفت‌وگو با ما دیدگاه‌های خود را پیرامون وضعیت فعلی برنامه‌سازی و سریال‌سازی در تلویزیون ایران بیان کرد. وی بر اهمیت ایده‌های نوآورانه در تولیدات تلویزیونی، تحلیل‌هایی ارائه داد.

اسماعیلی درخصوص سریال «پایتخت» که یکی از پرمخاطب‌ترین آثار تلویزیونی در سال‌های اخیر بوده است، گفت: پایتخت با ایده‌ای خوب آغاز شد. به نظر من، یکی از نقاط قوت این سریال، توانایی آن در نمایش فرهنگ ایرانی در کنار فرهنگ اسلامی بود. سریال به‌ویژه در برخی قسمت‌ها توانست این دو را به‌خوبی به تصویر بکشد. زبان و محیط ایرانی در آن حاکم بود و این به پایتخت کمک کرد که ارتباط قوی‌تری با مخاطب برقرار کند.

وی افزود: استفاده از زبان مازندرانی در این سریال

یکی از عواملی است که جذابیت زیادی برای مخاطبان به‌ویژه آنهایی که به این منطقه سفر کرده‌اند، به همراه



داشت. زبان مازندرانی که شیرینی خاص خود را دارد، نقش زیادی در ارتباط برقرار کردن مخاطب با سریال داشته است. بسیاری از ایرانی‌ها به واسطه سفرهای خود به مازندران با این زبان آشنا شدند و همین امر باعث می‌شد که ارتباط بهتری با سریال برقرار کنند. این یک نقطه قوت بسیار مهم است. اسماعیلی سپس به فضای سریال پایتخت اشاره کرد و گفت: محیط شمال ایران، با تمام زیبایی‌های طبیعی‌اش، نقش دیگری در موفقیت سریال



نقد برنامه‌های نوروزی صداوسیما در گفت و گو با کارشناسان

از بهار طبیعت تا بهار تلویزیون...

محمد محمدی

وی در عین حال تأکید کرد که تلویزیون برای مقاب باشد که در موفقیت‌های موقت خود متوقف نشود و به دنبال ایده‌های جدیدتری باشد و توضیح داد: مشکل تلویزیون این است که به محض رسیدن به یک فرمت موفق، آن را تکرار می‌کند و به‌ندرت به دنبال ایده‌های جدید می‌رود. این باعث می‌شود که مخاطب خیلی سریع از این فرمت‌ها خسته شود. تلویزیون باید بیش از پیش به دنبال نوآوری و ایجاد تنوع در برنامه‌های خود باشد. اسماعیلی سپس به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های تلویزیون در عرصه سریال‌سازی اشاره کرد: یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف تلویزیون، عدم توانایی در ایجاد آثار خاطره‌انگیز و ماندگار در ذهن مخاطب است؛ امروزه بسیاری از مردم یادشان است که در دهه ۶۰ و ۷۰ چه سریال‌هایی پخش می‌شد و آنها چه خاطراتی از آن سریال‌ها دارند. اما در حال حاضر، کمتر کسی می‌تواند از سریال‌های اخیر تلویزیون چیزی به یاد بیاورد. این مسئله تنها به دلیل فضای مجازی نیست، بلکه ضعف‌های جدی در تولید و سیاست‌گذاری در زمینه تولید سریال وجود دارد. وی ادامه داد: امروزه سریال‌ها به‌جای اینکه به روایت‌های جذاب و خاطره‌انگیز توجه کنند، بیشتر به دنبال تکرار فرمول‌ها و داستان‌های کلیشه‌ای هستند. این امر باعث شده که مخاطب دیگر علاقه‌ای به تماشای این سریال‌ها نداشته باشد. تلویزیون باید بیشتر به ظرفیت‌های فرهنگی و جغرافیایی کشور توجه کند. ما از شمال تا

تنها بعضی شب‌ها که دورهم جمع می‌شویم، از آرزوهایشان می‌گویند و قلیان دود می‌کنند و سیگار می‌کشند و حرکت کنشگران دیگری هم وجود ندارد!

واقعیت این است که بیش از ۷ دهه از تشکیل دولت غاصب صهیونیستی می‌گذرد و در این مدت، صهیونیست‌ها اوج خشونت خود را از ابتدا تا به حال، نسبت به فلسطینی‌ها نشان داده‌اند و عدم تمایل‌شان به زنده‌ماندن اعراب مسلمان را به وضوح جار زده‌اند.

با این وجود، اینکه جوانی مانند باسل به دنبال راه‌های مسالمت‌آمیز و کم‌هزینه برای به وجود آمدن مثلا صلح و دوستی بین خودشان و اسرائیلی‌هاست، جالب توجه است.

در این مستند، مخاطبین علاوه‌بر دیدن ظلم‌های صهیونیست‌ها، تا حدودی متوجه می‌شود که دلیل طول‌کشیدن و راکد ماندن وضعیت برزخی و تحت ستم فلسطینیان، علاوه‌بر خیانت کشورهای عربی و حمایت غربی‌ها از صهیونیست‌ها، ترویج ذهنیت منفعلی است که به خصوص در بین مردم کرانه باختری باعث شده تا مقابله با مستعمران را رها کنند و به امید صلح سازش با ظلم است.

در این مستند، مخاطبین علاوه‌بر دیدن ظلم‌های صهیونیست‌ها، تا حدودی متوجه می‌شود که دلیل طول‌کشیدن و راکد ماندن وضعیت برزخی و تحت ستم فلسطینیان، علاوه‌بر خیانت کشورهای عربی و حمایت غربی‌ها از صهیونیست‌ها، ترویج ذهنیت منفعلی است که به خصوص در بین مردم کرانه باختری باعث شده تا مقابله با مستعمران را رها کنند و به امید صلح سازش با ظلم است.

در برشی از مستند «سیم حیات» که محصول سال ۶۸ است، شهید اوینی دوربین را به میان فلسطینی‌ها می‌برد و پد یادگاهی باز این‌طور می‌گوید:

«ما بشر، با همه شرایطی‌خو می‌گیرد و شور زندگی، او را مرگ و ابتلاهای آسمانی غافل می‌دارد و صهیونیزم و استکبار جهانی نیز، بنیان تجاوز خویش را بر همین ضعف‌ها و عادت‌ها بنا نهاده‌اند.

آن‌ها دست به تجاوز و قتل و غارت می‌زنند و منتظر می‌شوند ترس از مرگ و شور زندگی و خوی تسلیم و تطبیق در برابر شرایط، به کمک آن‌ها بیاید و خون‌های ریخته شده را بشوید و مظالم آنان را بپوشاند و برای مقاومت‌های احتمالی نپز، نقاب‌هایی از دل‌سوزی و همدردی جوامع بین‌المللی و قواعد ظالمانه حقوق بشر فرام داشته‌اند. مقاومت مسلحانه، روح جوانمردی و

جنوب، از شرق تا غرب ایران، دارای تنوع‌های فرهنگی، زبانی و جغرافیایی بسیاری هستیم که می‌تواند در ساخت سریال‌های جذاب و اثرگذار مورد استفاده قرار گیرد. اسماعیلی در پایان با اشاره به ظرفیت‌های بسیار زیاد کشور، در تولید برنامه‌های تلویزیونی، خواستار بازنگری در سیاست‌های تولید و توجه بیشتر به نیازهای واقعی مخاطبان شد و گفت: ظرفیت‌های فرهنگی، جغرافیایی و زبانی کشور بسیار گسترده است، اما متأسفانه تلویزیون به‌دلیل سیاست‌گذاری‌های ضعیف نتوانسته است از این ظرفیت‌ها به‌درستی استفاده کند. تلویزیون باید به‌طور جدی‌تری به تولید برنامه‌های متنوع و باکیفیت بپردازد تا دوباره بتواند مخاطبان خود را جذب کند.

لژوم پرهیز از کیی کاری

محضرشا شاه‌حسینی، کارشناس رسانه و منتقد سینما، با اشاره به افزایش برنامه‌هایی در قالب استعدادیابی

بسر لژوم خلاقیّت و پرهیز از کیی کاری در برنامه‌ها

تأکید کرد.

او درباره اینکه تولید برنامه در قالب «تلنت» یا استعدادیابی در تلویزیون زیاد شده است گفت: صدا و سیما باید در مسیر تحول، از تکرار و کپی‌برداری از دیگر رسانه‌ها خودداری کند و به یک رسانه مؤثر، متمایز و مبتنی بر اصول دینی و فرهنگی تبدیل شود. این رسانه باید بتواند به جامعه آگاهی، تفکر و ارتقاء سطح فرهنگ را هدیه کند، نه اینکه تنها در پی جذب مخاطب و درآمد غیرت مبارزه، تنها چیزی است که تجاوزگران صهیونیست و مستکبران دیگر را می‌ترساند و آنان را بر سر جای خویشان می‌نشانند.»

دیدگاه شهید اوینی هنوز هم بعد از گذشت ۳۵ سال کلاما زنده و قابل لمس است و در مستند «هیج سرزمین دیگری»، می‌توان جمله جملۀ این گفته‌ها را دید و با تمام وجود حشش کرد. لژوم به مبارزه و عدم سکوت در برابر ظلم، از زمان حمله ۷ اکتبر تا به حال، مانند صاعقه‌ای شب سیاه ظالمان را خراب کرده است و باعث شده تا نیروهای جدید زیادی به حماس بپیوندند و دلیل این مسئله هم افتادن نقاب از چهره کریه زندگی مثلا مسالمت‌آمیز با صهیونیست‌ها است.

اسکار و امید برای صلح

با توجه به بالا گرفتن جنگ بین حماس و صهیونیست‌ها، دادن جایزه اسکار به مستند «هیج سرزمین دیگری»، اگر نگوییم مثل روز روشن بود، حداقل بعید و دور از ذهن نبود، مخصوصا که ترس از شعله‌ور شدن کرانه باختری، همیشه از ترغابی‌های بزرگ صهیونیست‌ها بوده است و مستندی مانند «هیج سرزمین دیگری»، به نوعی تشویق مردم کرانه باختری به سکوت و ادامه سازش با ظلم است.



باسل آذرا یکی از سازندگان اصلی این مستند، بعد از دریافت جایزه اسکار، از جهان خواست تا مانع «پاک‌سازی قومی مردم فلسطین» شوند و بی‌سوال آبراهام هم از گروگان‌هایی یاد کرد که از زمان حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ میلادی در دستن حماس اسارتیلی اسیر شدند.

مستند هیج سرزمین دیگری، دقیقا در اکتبر سال ۲۰۲۳ تمام می‌شود و در انتها، تنها در حد چند جمله عنوان می‌کند که در نتیجه حمله حماس به اسرائیل هزاران فلسطینی کشته و صدها اسرائیلی اسیر شدند.

با وجود ادامه‌دار بودن درگیری‌ها و بیشت‌رشدن این مستند در سخنرانی اسکارشان، مبنی بر دوستی بین دو ملت، قابل تأمل است!

صلح بر باد و حمایت بر آب؟

بعد از گذشته کمتر از دو ماه از دادن جایزه

وی در پایان با اشاره به اهمیت نقش رسانه در آینده‌نگری و ارتقای سطح آگاهی جامعه، گفت: صدا و سیما باید به یک ابزار آگاهی‌بخش، فرهنگی و آموزشی تبدیل شود که همگان در آن احساس نیاز کنند. اگر این مسیر را دنبال نکند، نه‌تنها جایگاه خود را در جامعه از دست خواهد داد، بلکه در نهایت به یک رسانه بی‌اثر و کم‌تأثیر تبدیل خواهد شد.

اسکار به تیم سازنده مستند «هیج سرزمین دیگری» و آرزوی آن‌ها برای صلح بین دو ملت، اسرائیلی‌های عصبانی که اعتقادی به چنین سخنرانی‌های بی‌سر و تهی نداشتند، به کارگردان فلسطینی این مستند «حمدان بلال» یکی از چهار برنده حمله کردند و با تکت و زور او را دستگیر کردند و به مکانی نامعلوم بردند. در این بین سکوت آکادمی اسکار، نسبت به این اتفاق، در رسانه‌ها بسیار به چشم آمد.

در روز بعد از دستگیری یک‌مرتبه‌ای حمدان بلال، معلوم شد که این قضیه کاملا خودجوش بوده و هیچ‌کشتیشان اتفاق افتاده است و در این مدت اسرائیلی‌ها به خاطر عصبانیت از او، حمدان را تحت شش‌گنجه قرار دادند و بعد از آزادی هم بلافاصله او را به بیمارستان منتقل کردند و آکادمی اسکار هم به خاطر فشار رسانه‌ها عذرخواهی نمودایی به خاطر سکوت کرد و پرونده این ظلم هم مانند قبلی‌ها راحت بسته شد. مستند «هیج سرزمین دیگری» پرسید که آیا هنوز هم منتقد صلح بدون هزینه افتاد بقتد و روی دوستی اسرائیلی‌ها حساب باز کرده‌اند؟ درست است که این ماجرا باعث شد تا امیدهای واهی برخی منتظران، بر باد برود ولی از طرف دیگر باید قبول کرد که اسرائیل در حال حاضر ک ماهیت خود را در خطر می‌بیند، دیگر به سیم آذر خه و راحل‌های طولانی‌مدت مانند سکوت کرانه باختری برای تصاحب درّذره‌اش را اصلا قبول ندارد، به خاطر همین هم حرف‌های میکی زوهار در مورد مستند «هیج سرزمین دیگری»، قابل تأمل است. او چندی پیش در پیامی توییت‌ری نوشت:

«سازندگان این فیلم به جای نشان دادن پیچیدگی‌های واقعیت اسرائیل، ترجیح دادند روایت‌هایی را تقویت کنند که تصویر اسرائیل را در برابر مخاطبان بین‌المللی مخدوش می‌کند. آزادی بیان یک ارزش مهم است اما افترا زدن به اسرائیل و استفاده از این ابزار برای انجام تبلیغات بین‌المللی هنر نیست. این یک خرابکاری علیه دولت اسرائیل است؛ به‌ویژه پس از کشتار ۷ اکتبر و جنگ جاری.»

او ادامه نوشت: «دقیقاً به همین دلیل است که ما اطلاعاتی را در موضوع حمایت دولتی از سینما تصویب کردیم، تا مطمئن شویم که پول مالیات‌دهندگان صرف آثار هنری شود که به مخاطبان اسرائیلی صحبت می‌کنند؛ نه صنعتی که حرفه خود را از اساس تهمت‌زدن به اسرائیل در صحنه جهانی بنا می‌کند.» از این اظهارات معلوم است که بعد از واقعه ۷ اکتبر، دیگر هیچ چیز مانند قبل نمی‌شود و این جنگ با باید با تمام قوا در کرانه باختری هم ادامه پیدا کند، یا زندگی از این به بعد برای مردم این قسمت از فلسطین اشغالی، هزاربار سخت‌تر از قبل خواهد شد و چیزی با عنوان صلح بین دو ملت وجود خارجی ندارد.